

## واژگان تخصصی راه آهن و حمل و نقل

### در دو بخش: الف- تخصصی ریلی، ب- حمل و نقل

« برگرفته از فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی

۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ (لغات تخصصی ریلی با ویرایش تا خرداد ۱۳۸۹) »

تدوین: گروه واژه‌گزینی

اعضای کمیته حمل و نقل ریلی: آقایان مهندس محمدحسن اسماعیلی (معاونت فنی رجا)، علی اصغر حسین زاده خجسته، مهندس محمود خبازنیا، حمید دماوندی، دکتر جبارعلی ذاکری، رضاقلی رستمی، دکتر محمدعلی رضوانی، دکتر محمدعلی سندیدزاده، یدالله طاهباز، مرتضی فراهانچی، دکتر حسین قهرمانی، مهندس علی کیانزاد، دکتر سعید محمدزاده، سعید نبوی، حسن همدانی.

\*\*\*\*\*

گردآوری: فرهاد ثمری، گروه پژوهش و اطلاع‌رسانی فنی

ویراستاری تایپ بخش تخصصی ریلی: دکتر علی اسدی لاری،

تأیید: مهندس رویا السادات آشفته - گروه پژوهش و اطلاع‌رسانی فنی

## الف - لغات تخصصی ریلی (و حمل و نقل)

فارسی	توضیحات	لاتین
<b>الف</b>		
آب دهی طوقه	عملیات حرارتی ویژه طوقه برای سخت سازی غلتشگاه چرخ	rim quench
آرایش محود دو-دو	آرایش محورهای لکوموتوی دارای دو بوژی با دو محور محرک	Bo-Bo axle arrangement
آرایش محور سه - سه	آرایش محور لکوموتیو دارای دو بوژی با سه محور محرک	Co-Co axle arrangement
آژیرو	دکمه‌ای که لکوموتوران باید در فواصل زمانی معینی، مثلاً عبور از کنار علامت هشدار، فشار دهد، در غیر این صورت، ترمز خودبه‌خود به کار می‌افتد.	Vigilance device
آشکار سازی داغی سرمحور	دستگاهی حساس به گرما که برای اندازه گیری دمای نسبی جعبه سرمحور خط نوردها در کنار خطوط اصلی راه آهن در نقاط ویژه نصب میشود .	hot box detector
آشیانه	محلی برای نظافت و تعمیرات جاری و نگهداری لکوموتیو در وضعیتی آماده برای بهره‌برداری	Engine shed, locomotive shed, locomotive hangar
آمادگاه	کارگاه تعمیر و توقف لکوموتیو و نگهداری تجهیزات و انباشت پارسنگ	Depot
اتاقک (هوایی)	اتاقکی که از مصالح سبک ساخته شده باشد. هر یک از اتاقهای داخل کشتی و جایگاه مخصوص خلبان در هواپیما	Cabin

flangeway depth	فاصله بین سطح تاج ریل و بخش پائینی لبه چرخ	ارتفاع
rise and fall	مجموع ارتفاع سربالایی‌ها در یک مسیر مشخص با تغییر شیب‌های متوالی که نهایتاً به تراز اولیه برمی‌گردد.	افت و خیز
joint gap	فاصله بین دو سر ریل در محل اتصال ریل‌ها که انبساط ریل را امکان‌پذیر می‌سازد.	اندازه درز
All-stop Station	ایستگاهی در سامانه حمل و نقل با واحدهای سریع‌السیر که تمامی واحدهای حمل و نقل در آن توقف می‌کنند.	ایستگاه اصلی
Online-station	ایستگاهی که در آن واحدهای حمل و نقل (خودرو یا قطار) در خط عبور اصلی توقف می‌کنند.	ایستگاه برخط
Off-line station	ایستگاهی خارج از خط عبور که در آن وسایل حمل و نقل مسافران را سوار و پیاده می‌کنند، بی‌آنکه مانع سایر وسایل نقلیه شوند.	ایستگاه برون خط
non-back station	ایستگاهی که بین دو ایستگاه بین‌راهی قرار گرفته است و تجهیزات علائم و ارتباطات ندارد و گذر از آن نیاز به جواز سیر ندارد.	ایستگاه بسته
Parkway station , park and ride station	ایستگاهی در راه‌آهن با توقفگاهی وسیع برای خودروهای شخصی و راه‌های دسترسی مناسب محلی	ایستگاه پارک سوار
Terminal stop	هر یک از ایستگاه‌های دو سر یک خط حمل و نقل	ایستگاه پایانی
Interchange Station, transfer, interchange	ایستگاهی که در آن مسافر از قطار یک خط پیاده می‌شود و با سوار شدن به قطار خط دیگر ادامه سیر می‌دهد.	ایستگاه تغییر خط
Junction station	ایستگاهی که بیش از دو مسیر را به هم پیوند دهد.	ایستگاه تقسیم
way side station, road side station crossing station, non-junction station	نیم‌ایستگاهی که اغلب برای سبقت‌گیری قطار سریع از قطار کندرو یا برای آزاد کردن مسیر حرکت دو قطار متقابل مورد استفاده قرار می‌گیرد.	ایستگاه تلاقی - سبقت
Multi-level station	ایستگاهی با چند طبقه خطوط متقاطع	ایستگاه چند طبقه
Intermodal station, Multimodal station	ایستگاهی متشکل از پایانه‌های مختلف آبی و جاده‌ای و ریلی و هوایی	ایستگاه چندگانه
block station	ایستگاهی که برای قبول یا اعزام قطار به جواز سیر احتیاج دارد.	ایستگاه سیر گاهی
Midblock stop	ایستگاه حمل و نقلی که دور از تقاطع قرار دارد	ایستگاه میانی
Degage	محدوده امنی برای توقف قطار و جلوگیری از برخورد آن با قطارهای در حال حرکت	ایمن‌گاه
<b>پ</b>		
Pallet	سازه مسطح و کوچک چوبی که زیر بار قرار دهند تا بتوان آن را با افزاره بلند کرد.	بارکف

<b>Overhaul</b>	تعمیر و آماده‌سازی هر وسیله با پیاده کردن قطعات اصلی و فرعی؛ این عمل شامل بازدید و قطعه‌گذاری و تراشکاری و تعمیر موتور است و به سوار کردن و بستن قطعات و بازدید نهایی ختم می‌شود.	<b>بازآماد</b>
<b>incoming brake</b>	آزمایشی که شرکت‌های راه‌آهن در برخی از ایستگاه‌ها برای تعیین وضعیت ترمز و سایر موارد مربوط به ایمنی قطارهای ورودی انجام می‌دهند.	<b>بازدید قطار ورودی</b>
<b>Wagon Weighbridge, Freight Car Scale, Track Scale</b>	وسیله‌ای در نقاطی مشخص از طول خط یا بین دو واگن، برای توزین واگن‌ها	<b>باسکول خط</b>
<b>Wagon Lift, Wagon Elevator</b>	دستگاهی برای بالا بردن واگن از روی خط	<b>بالابر واگن</b>
<b>rotary snowplow</b>	نوعی برف‌روب مجهز به تیغه‌هایی با توان چرخشی که برف را از روی خط بر می‌دارد و به کنار آن پرتاب می‌کند.	<b>برف‌روب چرخشی</b>
<b>Credit Ticket</b>	بلیتی که برای استفاده در مدت زمان خاصی (مثلاً یک هفته یا یک ماه یا یک سال) معتبر باشد، این بلیت ممکن است رمزدار باشد.	<b>بلیت اعتباری</b>
<b>Reduced Fare Ticket</b>	بلیتی که برای گروه‌های خاص (مانند دانشجویان و مأموران انتظامی و جانبازان) در نظر گرفته شده باشد و با مبلغی کمتر از قیمت اصلی به این افراد فروخته شود.	<b>بلیت تخفیف دار</b>
<b>One Journey Ticket</b>	بلیتی که برای یک بار مسافرت در مسیر مشخصی استفاده شود و پس از رسیدن به مقصد دیگر قابل استفاده نباشد.	<b>بلیت تک سفره</b>
<b>Full Fare Ticket</b>	بلیتی که مسافر با خرید آن، تمام مبلغ بلیت یا مبلغ مندرج در جدول کرایه را بپردازد.	<b>بلیت تمام بها</b>
<b>Full day Ticket</b>	بلیت معتبر برای یک روز کامل (مسافرت‌های متعدد در یک تاریخ معین)	<b>بلیت تمام روز</b>
<b>Thorough Ticket</b>	بلیت یک سره برای تمام مسیر که مسافر بدون تعویض قطار بتواند با آن مسافرت کند (معمولاً از اول تا آخر یک خط).	<b>بلیت تمام مسیر</b>
<b>Ticket Decoding Reading Equipment, Ticket Decoding Equipment</b>	دستگاهی برای واری و کسر کردن اعتبار بلیت و معین کردن اعتبار باقی مانده در بلیت‌های مغناطیسی یا مدت دار	<b>بلیت خوان</b>
<b>Ticket Validation</b>	ابطال و سوراخ کردن بلیت. زدن مهر تاریخ اعتبار بر روی بلیت‌های فروخته شده	<b>بلیت خوانی</b>
<b>Round Trip Ticket, Return Ticket</b>	بلیتی که برای رفت و برگشت در مسیری یکجا خریداری شود.	<b>بلیت دوسره</b>
<b>Free Ticket</b>	بلیتی که به رایگان در اختیار بعضی از افراد و اقشار جامعه قرار گیرد.	<b>بلیت رایگان</b>
<b>Full Way Ticket</b>	بلیتی که با ارائه آن و وارد شدن به یک ایستگاه بتوان در مسیرهای مختلف و با تعویض خط، در هر مسیری مسافرت کرد؛ با خروج مسافر از یک ایستگاه، بلیت اعتبار خود را از دست می‌دهد.	<b>بلیت سراسری</b>

<b>Automatic Fare Collection</b>	سامانه خودکار فروش و کنترل بلیت در مترو و راه آهن شهری	<b>بلیت فروشی خودکار</b>
<b>Monthly Ticket</b>	بلیتی از نوع بلیت اعتباری که از تاریخ مشخصی به مدت یک ماه معتبر باشد.	<b>بلیت ماهانه</b>
<b>Season Ticket</b>	بلیتی که از تاریخ خرید تا مدت زمان خاصی مثلاً یک هفته یا یک ماه بتوان برای سفرهای مکرر از آن استفاده کرد.	<b>بلیت مدت دار</b>
<b>Magnetic Ticket</b>	بلیتی غالباً اعتباری، با پوشش مغناطیسی، که واریسی آن به وسیله دستگاه صورت گیرد.	<b>بلیت مغناطیسی</b>
<b>Open Ticket</b>	بلیت بدون تاریخ اعتبار معین و بدون محدودیت تاریخ استفاده	<b>بلیت ویژه</b>
<b>Weekly Ticket</b>	نوعی بلیت اعتباری که از تاریخ صدور به مدت یک هفته اعتبار داشته باشد.	<b>بلیت هفتگی</b>
<b>Bogie, Truck</b>	مجموعه ای شامل چهار یا شش چرخ که به صورت جفت در زیر وسایل نقلیه ریلی طولیل نصب می شود و از طریق لولایی مرکزی حرکت و انعطاف وسیله نقلیه را در پیچ ها تسهیل می کند.	<b>بوژی</b>
<b>Self Steering Bogie</b>	نوعی بوژی که از اتصال انعطاف پذیر مجموعه چرخ - محورها با قاب بوژی تشکیل می شود و جهت محورها را با شعاع انحنای پیچ هماهنگ می کند.	<b>بوژی خودفرمان</b>
<b>Three Piece Bogie</b>	نوعی بوژی متشکل از دو قاب کناری و یک تیر عرضی معلق	<b>بوژی سه تکه</b>
<b>Buffet Car</b>	واگنی در قطار برای فروش غذاهای سبک و نوشیدنی	<b>بوفه قطار</b>
<b>ک</b>		
<b>Rail Fastener, Fastener, Rail Clip</b>	ابزاری فتری برای محکم کردن پایه ریل روی زینچه یا ریل بند	<b>پابند</b>
<b>Ballast</b>	قطعات شکسته شده سنگ برای تثبیت و تعادل ریلها روی بستر راه آهن ریخته شود.	<b>پارسنگ</b>
<b>cantrail</b>	خط فرضی در طول خط نورد مسافری که نشان دهنده فصل مشترک حد بالایی بدنه و انحنای سقف است.	<b>پاطاق</b>
<b>Monitoring</b>	نظارت بر محیط یا صحنه یا دستگاه از طریق نمایشگر	<b>پایش</b>
<b>Rail Foot, Rail Base</b>	قسمت پایین ریل که در حالت افقی قرار دارد و تکیه گاه ریل است.	<b>پایه ریل</b>
<b>Duty Pass</b>	برگه عبور رایگان کارکنان مترو یا راه آهن در ساعات کار	<b>پروانه عبور</b>
<b>Free Pass</b>	برگه ای که با آن ماموران موظف می توانند در محوطه مترو و راه آهن عبور و مرور نمایند یا به رایگان با وسایل نقلیه ریلی، همراه با خانواده، مسافرت کنند.	<b>پروانه ویژه</b>
<b>aerodynamic drag, air resistance aerodynamic resistance</b>	نیروی مقاوم هوا و باد در برابر حرکت قطار	<b>پسار آئرو دینامیکی</b>

<b>bearing drag</b>	نیروی مقاوم ناشی از اصطکاک در سرمحور	پسار سرمحور
<b>grade drag, grade resistance</b>	نیروی مقاوم در برابر حرکت قطار در سربالایی به دلیل نیروی گرانشی قطار	پسار شیب
<b>curve drage, curve resistance</b>	نیروی مقاوم در برابر حرکت قطار هنگام عبور از قوس	پسار قوس
<b>flange drage</b>	نیروی مقاوم در برابر حرکت که با سرعت قطار و سختی قائم‌سازه خط نسبت مستقیم دارد.	پسار لبه چرخ
<b>Buttress</b>	عضوی از سازه که برای تامین یا افزایش پایداری جانبی دیوار یا سد به کار رود.	پشت بند (مهندسی)
<b>brake shoe back</b>	پشت بندی فولادی برای استحکام کفشک چدنی ترمز	پشت بند کفشک ترمز
<b>Buttressed</b>	دارای پشت بند	پشت بنددار
<b>vehicle step</b>	فرورفتگی پله‌ای خط نورد در بخش پایین آن برای جلوگیری از برخورد با سکو ایجاد می‌شود.	پلکانی خط نورد
<b>Gallery</b>	دالان یا فضای سرپوشیده در مجاورت کوه برای جلوگیری از ریزش بهمن در بستر راه‌آهن	پناهراه
<b>Side-Tipping Wagon</b>	واگنی که می‌تواند برای تخلیه بار بچرخد و در آن سمت محل تخلیه باز شود.	پهلوگرد
<b>vehicle waist</b>	پهن‌ترین بخش خط نورد در حالت سکون که بیشترین احتمال برخورد را با دیواره مسیر دارد.	پهنای خط نورد
<b>People Mover</b>	وسیله‌ای در پایانه‌ها که مانند یک پیاده‌روی متحرک مسافران را در مسیر ثابت جابه‌جا می‌کند.	پیاده‌بر
<b>ن</b>		
<b>station amenities , station facilities</b>	تجهیزات تأمین آب و برق و مواردی از این قبیل در ایستگاه‌های راه‌آهن	تأسیسات ایستگاه
<b>Hump</b>	تپه کوچکی که از شیب آن برای آرایش قطار و اعزام آنها به مسیرهای مختلف استفاده می‌شود.	تپه تقسیم
<b>sand hump</b>	تپه‌ای شنی که در انتهای یک خط فرعی برای کاهش سرعت قطار فراری و متوقف کردن آن ایجاد شده است.	تپه شنی
<b>on-track equipment</b>	ماشین‌آلات نگهداری خط آهن که روی ریل حرکت می‌کنند.	تجهیزات خطرو
<b>work equipment</b>	تجهیزات خطرو و غیر خطرو که از آنها برای نگهداری خط آهن استفاده می‌کنند.	تجهیزات عملیات
<b>off-track equipment</b>	ماشین‌آلات نگهداری خط که در حریم آن مورد استفاده قرار می‌گیرد.	تجهیزات غیر خطرو

"Z" bed	نوعی تخت تاشو و متحرک که قابل تبدیل شدن به میز است.	تخت میزشو، میزشو
brakeman	یکی از مأموران قطار یا محوطه ایستگاه که وظیفه واریسی شیرهای ترمز را بر عهده دارد.	ترمزبان
crossing, crossover	محل تلاقی دو مسیر راه‌آهن یا جاده یا راه‌آهن که تغییر مسیر در آن امکانپذیر نباشد.	تقاطع
diamond crossing, track crossing	محل تلاقی دوخط‌آهن که در آن عبور همزمان قطارها در هر دو مسیر امکانپذیر باشد.	تقاطع چلیپا، چلیپا
double crossover, diamond cross scissors crossover, universal crossover	اتصال دو خط‌آهن موازی از طریق دو خط رابط مورب	تقاطع دوگانه
grade separated crossing	محل تلاقی جاده با راه‌آهن که در دو سطح قرار داشته باشد.	تقاطع ناهمسطح
interchange	تقاطعی که امکان عبور وسایل نقلیه را با استفاده از اختلاف سطح، به صورت زیرگذر یا روگذر، فراهم کند.	تقاطع ناهمسطح
level crossing, grade crossing, highway-rail grade crossing	محل تلاقی مسیر راه‌آهن با جاده هم تراز آن	تقاطع همسطح
contact patch	بخش مشترک بین غلتش گاه ریل و غلتش گاه چرخ	تماسگاه
manoeuvre	کلیه عملیات تنظیم قطار، شامل جداسازی واگنها و لکوموتیوها از قطار برای واگذاری به کارگاهها و اتصال آنها به قطار و جابه‌جایی قطار در خطوط	تنظیم
marshalling yard, shunting yard	محلی در ایستگاه که در آن قطار و بار پذیرفته و رده‌بندی می‌شوند و قطارهای جدید تشکیل و به مقصد مورد نظر اعزام می‌شوند.	تنظیم‌گاه
flat yard, flat marshalling yard	محوطه‌ای که خطوط آن به صورت هم تراز و بدون شیب نصب شده است و خط نوردها را با استفاده از لکوموتیوهای خاصی در آن حرکت می‌دهند.	تنظیم‌گاه تخت
gravitational yard, gravity yard	تنظیم‌گاهی که در آن تعدادی از خطوط دارای شیب طبیعی یا خاکریز است و قطارها را به کمک نیروی گرانشی در آن جابه‌جا می‌کنند.	تنظیم‌گاه شیب‌دار
shunter	مامور آرایش و تنظیم قطارها	تنظیم‌گر
luggage, baggage	باری که مسافر با خود به داخل هواپیما نمی‌برد.	توشه (هوابی)
van	واگنی که به قطار مسافری وصل شود و توشه مسافر را حمل کند.	توشه‌بر
switch rail, tonque rail, blade rail	ریلی که با مقطع متغیر که در ابتدای سوزن قرار می‌گیرد و امکان تغییر مسیر حرکت قطار را فراهم می‌کند.	تیغه سوزن

<b>rail web</b>	بخش عمودی ریل که بین کلاهدک و پایه ریل قرار دارد.	<b>جان ریل</b>
<b>locomotive crane</b>	نوعی جرثقیل با دیرک بلند که برای جابه‌جایی بارهای سنگین استفاده می‌شود و روی ریل حرکت می‌کند.	<b>جرثقیل ریلی</b>
<b>ج</b>		
<b>inspection pit</b>	محل بازدید وسیله نقلیه ریلی	<b>چال بازدید</b>
<b>examination-pit</b>	چاله‌ای برای بازرینی و تعمیر قسمتهای زیرین لکوموتیو	<b>چاله بازدید</b>
<b>drop-pit</b>	چاله‌ای عمود بر خط که در آن می‌توان یکی از چرخهای قطار را پایین آورد و بازرسی و تعمیر یا تعویض کرد.	<b>چاله چرخ</b>
<b>wheelset</b>	مجموعه‌ای از یک محور و دو چرخ که به صورت ثابت به هم متصل شده‌اند و چرخها فاصله‌ای متناسب با عرض خط دارند و به صورت یکپارچه دوران می‌کنند.	<b>چرخ-محور</b>
<b>trailing wheelset</b>	چرخ-محوری که معمولاً بعد از چرخ-محور پیشرو قرار می‌گیرد و نیروی محرکه به آن وارد نمی‌شود.	<b>چرخ-محور پیرو</b>
<b>trolley</b>	وسیله‌ای چرخ‌دار برای حمل انواع وسایل و خوارکیها در رستوران	<b>چرخ (گردشگری)</b>
<b>hollow worn wheel</b>	چرخ‌ی است در قسمت غلتشگاه دارای فرورفتگی ناشی از سایش قائم است.	<b>چرخ گود</b>
<b>flat wheel</b>	چرخ‌ی که بر اثر قفل شدن به هنگام ترمز کردن و کشیده شدن روی ریل، بخشی از رویه آن ساییده باشد.	<b>چرخ پخ</b>
<b>wheelchair</b>	صندلی چرخداری که از آن برای کمک به حرکت و جابه‌جایی بیماران و معلولان استفاده شود.	<b>چرخک (عمومی)</b>
<b>traffic density</b>	تراکم وسایل نقلیه در هر کیلومتر معبر در لحظه معین	<b>چگالی تردد</b>
<b>ح</b>		
<b>station limit</b>	مرز بین ایستگاه و سیرگاه دارای مدارهای علامت‌الکتریکی متفاوتی است.	<b>حد ایستگاه</b>
<b>minimum continuous speed</b>	حداقل سرعتی که با آن لکوموتیو تحت بارگذاری سنگین می‌تواند بدون آسیب به موتور کشنده به طور پیوسته حرکت کند.	<b>حداقل سرعت پیوسته</b>
<b>right-of-way</b>	نوار از زمین و ملک واقع در کنار مسیر که برای مقاصد حمل و نقل تملیک می‌شود.	<b>حریم راه (شهری)</b>
<b>snow fencing</b>	مانعی که با کوبیدن الوارهای چوبی یا فلزی در کنار هم و در کنار حریم خط ایجاد می‌شود تا از ریختن برف به خط جلوگیری کند.	<b>حصار برف گیر</b>

interline transportation	جابه‌جایی مسافر بین یک یا چند خط اتوبوس یا راه‌آهن در حمل و نقل عمومی	حمل و نقل میان خطی
<b>ح</b>		
rail failure, rail defect	وضعیتی در ریل که ممکن است باعث شکستگی یا ایجاد حفره در ریل شود و استفاده از ریل را غیرممکن سازد.	خرابی ریل
creepage, sleepage	نسبت سرعت مماسی چرخ به سرعت واقعی قطار	خزش
line	مسیری که قطار از ابتدا تا انتها طی کند.	خط
ballast regulator	ماشین برای صاف و یکنواخت کردن لایه پارسنگ	خط آرا، ماشین خط آرا
released track	خطی که پس از پایان دوره مسدود بودن آن دوباره باز شده است.	خط آزادشده
track	مجموعه‌ای ثابت که بستر حرکت وسایل نقلیه ریلی است و بارهای وارده را تحمل می‌کند.	خط آهن
continuous welded track	خط آهنی که درزهای آن با جوشکاری پر شده باشد.	خط پر بند
trap siding	خط کوری که در امتداد یکی از خطوط فرعی ایستگاه قرار می‌گیرد تا امکان جایگیری قطار در کل آن خط فراهم شود.	خط تأمین
draisine	وسیله‌ای ریلی برای جابه‌جایی ماموران بازرسی و انجام تعمیرات در خطوط راه‌آهن	خط رو
siding, branch line	خطی کمکی برای خط اصلی که امکان سبقت قطارها و تلاقی خطوط را فراهم می‌کند.	خط کناری
dead-end siding, dead-end track	خطی در ایستگاه راه‌آهن که از خط اصلی جدا شده و در پایان آن سپر انتهایی نصب شده است.	خط کور
retired track	خط آهنی که به طور دائمی از رده خارج شده است	خط متروکه
reversing triangle	خط تغییر جهت ۱۸۰ درجه‌ای قطار	خط مثلث
removed track	بخشی از یک خط که ورود قطار به آن در مدت زمان مشخصی به هر دلیل ممنوع است.	خط مسدود
rolling stock	هر نوع وسیله نقلیه ریلی	خط نورد
heavy rail vehicle	واگنی که از آن در قطار مسافری سنگین استفاده می‌شود.	خط نورد سنگین
coasting	حرکت قطار در سراسیمه بدون اعمال نیرو و ترمز برای حرکت با سرعت مناسب	خلاص روی
flangeway clearance	فضای خالی بین لبه چرخ و ریل که از تفاضل عرض خط و عرض چرخ-محور به دست می‌آید.	خلاصه لبه رو



<b>breake shoe clearance</b>	فاصله بین کفش ترمز و چرخ هنگامی که ترمز آزاد است.	خلاصی کفشک ترمز
<b>rail rollover</b>	کج شدن ریل که به دلیل نیروهای جانبی اضافی موجب افتادن چرخ به داخل خط می شود.	خوابیدگی ریل
<b>train set</b>	قطاری که بعضی یا تمام واگنهای آن دارای نیروی رانش باشد و برای حرکت نیازمند لکوموتیو نباشد.	خودکشند
<b>electric multiple unit, EMU</b>	وسیله نقلیه حمل مسافر که با نیروی محرکه الکتریکی روی خط آهن حرکت می کند.	خودکشند برقی
<b>diesel multiple unit, DMU</b>	وسیله نقلیه حمل مسافر که با نیروی محرکه دیزلی روی خط آهن حرکت می کند.	خودکشند دیزلی
<b>portion, serving</b>	مقدار غذا برای یک نفر در یک وعده	خوراک (گردشگری)
<b>د</b>		
<b>hot box</b>	اصطلاحی عامیانه برای سرمحور بیش از حد گرم شده	داغی سرمحور
<b>slab track</b>	نوعی خط آهن که ریل های آن روی یک دال بتونی قرار می گیرد.	دال خط
<b>corridor</b>	گستره ای بین دو پایانه که در آن مسائل حمل و نقل، مشخصه های هندسی، مسائل زیست محیطی و سایر مشخصات در نظر گرفته شده باشد.	دالان (شهری)
<b>charter</b>	ویژگی وسیله نقلیه ای که یکجا از طرف شخص یا شرکت یا موسسه ای کرایه شود.	در بست (حمل و نقل)
<b>glued joint, bonded joint</b>	درزی که در آن وصله ها طوری بسته شده اند که انقباض و انبساط ریل ها امکان پذیر نیست.	درز بسته
<b>bolted joint</b>	نوعی درز ریل که در محل اتصال ریل هایی که با وصله و پیچ و مهره به هم متصل شده اند ایجاد می شود.	درز پیچی
<b>stock rail joint</b>	درز ریلی که بین سوزن و خط آهن قرار دارد.	درز ریل سوزن
<b>insulated joint plug</b>	قطعه ای نارسانا در درز عایق که به وسیله چسب به دو سر ریل متصل می شود.	درز عایق
<b>fare gate</b>	سامانه ای که با کنترل اعتبار بلیت به مسافران اجازه ورود و خروج می دهد.	دروازه بلیت خوانی، بلیت خوانی
<b>platform screen doors, platform doors</b>	درهایی که در طول لبه سکوی مترو برای جدا کردن مسافر از قطار و خط نصب می شود.	درهای جداساز سکو
<b>accessibility</b>	میزان سهولت سفر بین مبادی و مقاصد مختلف برای تمام مردم	دسترس پذیری (حمل و نقل شهری)
<b>ticket vending machine giving change</b>	دستگاه خودکار فروش بلیت که بقیه پول پرداختی را نیز پس دهد.	دستگاه بلیت فروشی
<b>slow order</b>	دستور کم کردن سرعت در بخشی از خط آهن به دلیل معایب خط یا بستر آن	دستور تقلیل سرعت

<b>preferred rail laying temperature, desired rail temperature</b>	دمای مشخصی برای نصب و مهار ریل ممتد و کاستن از تنشهای حرارتی در اوج گرما و سرما	دمای بهینه نصب ریل
<b>adjusted rail temperature</b>	دمای مورد نیاز ریل در زمان جوشکاری و به هنگام نصب یا تعمیر و نگهداری برای تنظیم درز انبساط که این دما معمولاً از طریق گرمادهی حاصل می شود.	دمای تنظیم ریل
<b>rail neutral temperature</b>	درجه حرارت ریل هنگامی که نیروی محوری ناشی از تغییرات دما وجود ندارد.	دمای خنثای ریل
<b>ambient temperature</b>	درجه حرارت محیط اطراف ریل که در هنگام ریل گذاری و با توجه به دمای ریل اهمیت پیدا می کند.	دمای محیط
<b>installed rail temperature</b>	دمای مشخصی که در آن ریل ممتد نصب و مهار می شود.	دمای نصب ریل
<b>double heading, double engine</b>	قطاری که نیروی کشش آن را دو لکوموتیو هم جهت، که در ابتدای آن قرار دارند تامین می کنند.	دو کشی
<b>sighting distance</b>	حداکثر فاصله ای که راننده وسیله نقلیه ریلی می تواند علایم راهنمایی را به وضوح ببیند.	دیدرس
<b>demurrage</b>	خسارت تاخیر در تخلیه واگنها که از طرف راه آهن مقصد به راه آهن مبدا پرداخت می شود.	دیرانه
<b>۵</b>		
<b>gangway</b>	سازه های انعطاف پذیر در انتهای واگن که دسترسی به واگنهای همسایه را امکان پذیر می کند.	(راهرو)، فانوسی
<b>reservation</b>	نگهداری جا بر اساس درخواست مسافر	ذخیره جا (هوایی)
<b>۶</b>		
<b>general track foreman</b>	فردی که تمام مباشران خط در یک ناحیه زیر نظر او فعالیت می کنند.	رئیس خط ناحیه
<b>section foreman, section boss</b>	سرپرست خط آهن در یک قطعه یا محدوده شخصی	رئیس قطعه
<b>link</b>	پیوندی بین دو نقطه متوالی (تقاطع) در یک شبکه ارتباطی	رابط (حمل و نقل شهری)
<b>heavy haul railway</b>	نوعی سامانه حمل و نقل ریلی با ظرفیت زیاد برای جابه جایی بارهای فله ای	راه آهن باری سنگین
<b>cog railroad</b>	راه آهنی شامل دو ریل حرکتی و یک ریل دندانه ای	راه آهن دندانه ای
<b>barrier</b>	ابزاری متحرک برای بستن موقت مسیر، در تقاطع سواره رو و راه آهن	راه بند
<b>access corridor</b>	راهرو یا دالانی که مسافر طی می کند تا به سکوی سوار شدن به قطار برسد.	راهرو
<b>ramp</b>	راه کوتاهی که دو شاخه مجاور یک تقاطع را به هم وصل می کند.	راه گرد (مشترک حمل و نقل)
<b>rame</b>	مجموعه چند واگن و لکوموتیو به هم بسته؛ واحد شمارش قطار	رده

restaurant car	واگنی در قطار که به صورت رستوران از آن استفاده شود.	رستوران قطار، غذاخوری قطار
restaurant car	واگنی در قطار که به صورت رستوران از آن استفاده شود.	رستوران قطار، غذاخوری قطار
rail	فولاد نورد شده‌ای که به شکل معین و به صورت دو رشته موازی روی ریل بندها نصب شود.	ریل
standard rail	ریلی که طول هر شاخه آن معادل یکی از استانداردهای پذیرفته شده جهانی باشد.	ریل استاندارد
wing rail, binder rail	قطعه ریل کوتاهی با انتهای زوایه‌دار که در تکه مرکزی سوزن برای هدایت چرخ نصب می‌شود.	ریل بالی
rail saw	ابزاری برای بریدن ریل به صورت قائم	ریل بر
stationary rail saw	ریل بری که در یک کارگاه ثابت، که ریلها در آنجا برش داده می‌شوند مستقر است.	ریل بر ثابت
portable rail saw	ریل بری که میتوان آنها را به سهولت به محل مورد نیاز انتقال داد.	ریل بر دستی
make up rail, shortened rail	ریلی که طول مشخصی از انتهای آن بریده شده است و در سمت داخلی قوس‌های تند کار گذاشته می‌شود.	ریل بریده
couplage	مجموعه‌ای از دو ریل بند و پابندها که به هم متصل و برای نصب روی بستر خط آماده شده باشد.	ریل بست
long rail	نوعی ریل که طول آن بیش از طول ریل استاندارد است و در خطوط سریع السیر به کار می‌رود.	ریل بلند
traverse	تکیه‌گاه چوبی یا فولادی یا بتونی که ریلها روی آن بسته می‌شود.	ریل بند
stock rail	ریل ممتد و مستقیم سوزن که تیغه سوزن در دو حالت متفاوت با آن جفت می‌شود یا از آن فاصله می‌گیرد.	ریل پهلویی
running rail	دو ریل خط آهن که با قرارگرفتن چرخهای قطار روی آنها امکان حرکت قطار فراهم می‌شود.	ریل حرکت
rail bender	ابزاری برای ایجاد شعاع مناسب در ریل به منظور نصب آن در قوس مسیر	ریل خم کن
rack rail	ریل دندانه‌داری که بین دو ریل اصلی خطوط مناطق کوهستانی قرار می‌گیرد و لکوموتیوهایی که دارای چرخ‌دنده‌های شانه‌ای هستند، برای افزایش کشش در فراز و کنترل سرعت در شیب از آن استفاده می‌کنند.	ریل دندانه‌ای
rail-grinding machine, rail grinding train	دستگاهی که با سایش ناهمواری‌های سطحی تاج ریل، رویه آن را صیقل می‌دهد.	ریل ساب، ماشین ریل ساب، ساب
light rail	ریلی که وزن واحد طول آن از وزن واحد طول ریل خطوط باری کمتر باشد.	ریل سبک
heavy rail	ریلی که وزن یک متر از آن بیش از ۵۰ کیلوگرم باشد.	ریل سنگین

rail punch ,rail drill	ابزاری مکانیکی که با حرکت تفنگی ، در جان ریل سوراخ ایجاد می کند.	ریل سوراخ کن
third rail ,contact rail,current collector rail, conductor rail	ریلی اضافی به موازات ریل های اصلی برای تامین نیروی برق قطارهای برقی	ریل سوم
grooved rail ,girder rail	ریلی با کلاهک شیاردار که طوقه چرخهای خط نورد در آن قرار گیرد.	ریل قاشقی
rail stretcher , rail pulling device	ابزاری جک مانند که با آن فاصله دو سر ریل در محل درز تنظیم می شود.	ریل کش
short rail	ریلی که طول آن از ریل استاندارد کمتر باشد.	ریل کوتاه
rail heater	ابزاری دستی یا ماشینی که در طول خطوط بی درز حرکت می کند و با ایجاد شعله آتش باعث افزایش درجه حرارت آن می شود.	ریل گرم کن
continuous welded rail ,CWR ,lo welded rail,welded rail,ribbon rail	ریلی که از جوش دادن چند قطعه ریل استاندارد یا ریل کوتاه به دست می آید.	ریل ممتد
guide rail ,closure rail ,lead rail	قطعه ریلی که بین پاشنه سوزن و تکه مرکزی قرار می گیرد.	ریل هادی
rerolling rail	ریلی که پس از استفاده در خط آهن باز می شود و پس از عملیات حرارتی و نورد مجدداً در خط آهن مورد استفاده قرار می گیرد.	ریل بازنورد
<b>ژ</b>		
peak hours	ساعاتی که در آنها میزان رفت و آمد وسایل نقلیه به حداکثر برسد.	زمان اوج (حمل و نقل)
side chains	زنجیری که در انتهای خط نورد نصب می شود تا در صورت عمل نکردن قلاب های اصلی در موارد اضطراری عمل کند.	زنجیر قلاب
air tamper	زیرکوب دستی که با هوای فشرده کار می کند.	زیرکوب بادی
electric tamper	زیرکوبی که با نیروی برق کار می کند.	زیرکوب برقی
chase tamper ,slave tamper	زیرکوبی که به دنبال زیرکوب اصلی حرکت می کند تا عمل زیرکوب اول را تکمیل کند.	زیرکوب پشت کار
stop tamper	زیرکوبی با قابلیت تصحیح موضعی خط	زیرکوب لکه گیر
tamping, tamp	فرایند متراکم کردن پارسنگ در زیر ریل بند برای فراهم کردن ظرفیت باربری مناسب	زیرکوبی
underpass	قسمتی از راه که از زیر راه دیگر یا پل راه آهن بگذرد. معماری برای عبور عابر پیاده از زیر راه اصلی	زیرگذر (شهری)
slide chair	زینچه ای برای اتصال تیغه سوزن به ریل بند	زینچه لغزنده

<b>Rail chair , chair</b>	صفحه فولادی شکل داده شده که بین ریل و ریل بند قرار می گیرد.	زینچه
<b>ه</b>		
<b>suspension system</b>	سامانه‌ای شامل تجهیزات هیدرولیکی و اجزای اصطحاکاکی و فنرهای مارپیچ و بیضوی و لاستیکی و هوایی که از طریق آن بدنه واگن بر روی چرخها قرار می گیرد.	سامانه تعلیق
<b>air suspension system</b>	سامانه تعلیق دارای شیرهای خودتراز از هوا self leveling valves که نیروهای ناشی از عدم تقارن در بارگیری و قوس پیمایی را خنثی می کند.	سامانه تعلیق هوایی
<b>automatic train stop , ATS</b>	سامانه‌ای در قطار که در صورت عدم ترمزگیری به موقع راهبر ، در هنگام نزدیک شدن به علامت ترمز ، ترمز قطار را به صورت اضطراری فعالی می کند.	سامانه توقف خودکار قطار
<b>automatic train protection (system) ATP system</b>	سامانه ایمنی‌ای که بر سرعت حرکت و سرعت هدف قطار نظارت می کند و راننده را از الزام به ترمزگیری در مواقع مورد نیاز آگاه می سازد و در صورت عدم اقدام راننده ، به طور خودکار سرعت را کاهش می دهد و قطار را متوقف می کند.	سامانه حفاظت خودکار قطار
<b>automatic route setting , ARS</b>	سامانه‌ای که با استفاده از اطلاعاتی که در مورد قطار به آن داده می شود و برنامه زمانی مربوط ، مسیر حرکت قطار را تنظیم می کند.	سامانه خودکار تنظیم مسیر
<b>automatic car identification system , ACI system</b>	سامانه‌ای شامل علائم لازم برای شناسایی خودکار قطار با کد خوانهایی که در ایستگاهها نصب شده است.	سامانه شناسایی خودکار واگن
<b>automatic warning system , AWS</b>	سامانه‌ای که در هنگام نزدیک شدن قطار به تقاطع و نقاط دارای محدودیت سرعت به صورت دیداری و شنیداری به راننده هشدار می دهد.	سامانه هشدار خودکار
<b>automatic train operation , ATO</b>	سامانه‌ای برای هدایت خودکار قطار بر اساس داده‌هایی که از تجهیزات کنار خط یا مرکز نظارت دریافت می کند.	سامانه هدایت خودکار قطار
<b>ticket booking hall, ticket hall</b>	تالار ویژه فروش انواع بلیت	سرسرای فروش بلیت
<b>balance speed, optimum speed</b>	سرعت قطاری که در آن نیروی کشش با برابری نیروهای مقاوم برابر می شود.	سرعت بهینه
<b>equilibrium speed</b>	سرعت قطار در حال عبور از قوس به طوری که مسافر نیروی جانبی را احساس نکند.	سرعت تعادلی
<b>running speed</b>	سرعت میانگینی که از تقسیم مسافت طی شده بر مدت زمان حرکت به دست می آید.	سرعت سیر (شهری)
<b>retarder, squeezer, track brake</b>	تجهیزاتی که در خطوط محوطه رده‌بندی نصب می شود و سرعت واگن‌های رها شده از تپه مستقیم را کاهش می دهد.	سرعت گیر

<b>inert retarder</b>	سرعت گیری که با استفاده از فنرهای مارپیچ نیروی ثابتی به کناره چرخ‌های عبوری وارد می‌کند و باعث کاهش سرعت واگن‌های رها شده در انتهای خط می‌شود.	سرعت گیر انتهایی
<b>express</b>	وسیله نقلیه دارای حرکت سریع بدون توقف یا با توقف کم	سریع السیر (حمل و نقل)
<b>contact patch</b>	بخشی از سطح ریل سوم که اتصال الکتریکی را برقرار می‌کند.	سطح تماس
<b>crashworthiness</b>	قابلیت هواگرد در تحمل سقوط به نحوی که سرنشینان دچار جراحات شدید نشوند و قادر به گریز از هواگرد باشند.	سقوط تابی (هوایی)
<b>Loading platform , goods platform</b>	سکوئی در ایستگاه راه آهن برای بارگیری و تخلیه بار	سکوی بارگیری
<b>halt station</b>	ساده‌ترین نوع ایستگاه که معمولاً یک سکو و تابلو دارد	سکوی توقف
<b>leveling valve</b>	سوپاپی که تغییرات وزن واگن‌ها را در هنگام بارگیری و تخلیه تشخیص می‌دهد و تراز تعریف شده واگن را بر حسب این تغییرات تنظیم می‌کند.	سوپاپ تراز
<b>leveling valve</b>	سوپاپی که تغییرات وزن واگن‌ها را در هنگام بارگیری و تخلیه تشخیص می‌دهد و تراز واگن را با توجه به این تغییرات حفظ می‌کند	سوپاپ تراز
<b>punch</b>	عمل سوراخ و باطل کردن بلیت	سوراخ کردن
<b>switch, point</b>	دستگاهی برای تغییر مسیر قطار در شبکه خطوط راه آهن	سوزن
<b>lap switch</b>	نوعی سوزن سه راهی شامل دو دستگاه سوزن راست گرد و چپ گرد به طوری که ریل دریند یکی از سوزن‌ها، ریل اصلی سوزن دیگر باشد.	سوزن همپوش
<b>switch tamper</b>	زیرکوبی که با توانایی فشردن پارسنگ در محل سوزن (دوراهی‌ها)	سوزن کوب
<b>turntable</b>	صفحه ای برای تغییر جهت لکوموتیو یا انتقال آن به خطوط مختلف	سینی دوار
<b>Catenary</b>	کابل یا شاخه ای در بالای وسیله نقلیه ریلی برای تأمین نیروی برق آن	سیم بالاسر
<b>ش</b>		
<b>riding index traffic</b>	ملاک میزان رفاه مسافرین که با توجه به ارتعاشات نور و سروصدا و تهویه واگن‌های مسافری تعیین می‌شود.	شاخص رفاه
<b>pantograph</b>	وسیله انتقال برق (نیرو) از سیم بالاسر به وسایل کشنده واگن یا لکوموتیو	شاخک برق رسان، برق رسان
<b>traffic</b>	تردد وسایل نقلیه ای که همزمان در حال رفت و آمد باشند.	شد آمد (حمل و نقل)
<b>brake shoe key</b>	خار یا گوه‌ای که کفشک ترمز را به قاب ترمز وصل می‌کند.	شمشیرک
<b>equipment register</b>	برگه شناسنامه‌ی واگن باری که شامل اطلاعات مربوط به مالکیت و ظرفیت اسمی و ابعاد و حجم آن می‌شود.	شناسنامه واگن باری
<b>ramp</b>	سراسیمبی ورودی عمومی، برای جانبازان و افرادی که نمی‌توانند از پلکان استفاده کنند.	شیب راهه (مشترک)

<b>loading ramp, slop of platform</b>	شیب راهه ای برای بارگیری و تخلیه هر نوع وسیله سنگین چرخدار از واگن‌های قطار	<b>شیب راهه بارگیری</b>
<b>grader</b>	یکی از دستگاه‌های راه سازی که با تیغه بین چرخهای عقب و جلو مصالح را پخش و راه را تسطیح و شیب بندی کند .	<b>شیب ساز (شهری)</b>
<b>هـ</b>		
<b>tampon</b>	وسیله ای در دو سر واگن یا لکوموتیو که با مستهلک کردن انرژی ضربه ای قطار، در هنگام حرکت یا عملیات تنظیم از صدمه دیدن واگنها و لکوموتیوها جلوگیری کند.	<b>ضربه گیر</b>
<b>draft gear carrier</b>	بخش میراگر انرژی سامانه کشش	<b>ضربه گیر قلاب</b>
<b>ط</b>		
<b>fleet capacity</b>	حداکثر گنجایش ناوگان هر سامانه حمل و نقل برای جابه جایی مسافر	<b>ظرفیت ناوگان (حمل و نقل شهری)</b>
<b>ع</b>		
<b>flangeway width</b>	فاصله بین تاج ریل حرکتی و ریل محافظ در تراز ۱۴ میلیمتری از سطح تاج	<b>عرض</b>

signal	ابزاری دیداری برای انتقال علامت به راننده قطار و دادن مجوز حرکت یا توقف قطار	علامت
exit signal	علامتی که در انتهای محدوده ایستگاه نصب می شود.	علامت خروج
automatic signal	علامتی که به صورت خودکار پس از عبور یک قطار برای قطار بعدی فعال می شود.	علامت خودکار
signalling	مجموعه اعمالی که برای تامین ایمنی وسایل نقلیه انجام شود.	علامت دهی (حمل و نقل شهری)
block signal	علامتی که برای هدایت قطارهای ورودی در ابتدای سیرگاه نصب می شود.	علامت سیرگاه
stara signal, dispatching signal, starter signal	علامت آغاز به حرکت که در انتهای سکوی ایستگاه نصب می شود.	علامت شروع حرکت
calling-on signal	علامتی فرعی که بر روی پایه علامت ورود نصب می شود و در مواقعی که بخشی از خط تحت نظارت علامت ورود قطار را با محدودیت سرعت، مجاز اعلام می کند.	علامت فراخوان
home signal	علامتی که پیش از سوزن ورودی ایستگاه نصب می شود و مجاز بودن ورود قطار را مشخص می کند.	علامت ورود
trunround time	مدت زمانی که وسیله نقلیه ریلی بدون نیاز به بازدید می تواند کار کند.	عمر بازدید
service life	مدت زمانی که در آن استفاده و بهره برداری از وسیله نقلیه ریلی مقرون به صرفه باشد.	عمر مفید
rail flaw	هر نوع اشکال یا نقص در سطح یا داخل ریل	عیب ریل
<b>ح</b>		
galley	محل مشخصی در داخل هواپیما برای نگهداری و ارائه مواد غذایی و انواع نوشیدنی	غذا خانه (هوایی)
wheel tread	بخشی از سطح چرخهای وسایل خط نورد که با غلتش گاه (ریل) در تماس است.	غلتش گاه چرخ
rail tread	سطح فوقانی تاج ریل که در آنجا ریل با چرخ تماس می یابد.	غلتش گاه ریل، غلتش گاه
<b>ف</b>		
headway	متوسط فاصله زمانی عبور دو خودرو متوالی از یک نقطه در هر خط عبور	فاصله گذر (شهری)
wheelbase	فاصله بین محور جلو و عقب یک وسیله نقلیه	فاصله محوری
freight	باربری، فرستادن بار غیر همراه مسافر با کشتی یا قطار یا هواپیما	فرست، فرست کردن (حمل و نقل)



hand brake wheel	غریبلک فولادی به قطر تقریبی ۳۵ سانتیمتر که به میله ترمز متصل می شود و برای ثابت نگه داشتن واگن در محل توقف به کار می رود.	فلکه ترمز دستی
air spring	فنر دارای یک پایه و محفظه ای کشسان که با هوای کم فشار پر شده است و در سامانه تعلیق قطارهای شهری و بین شهری به کار می رود.	فنر هوایی
<b>ق</b>		
body framing	چارچوب ایجاد شده بر روی شاسی واگن که دیواره های کناری و انتهایی و سقف را در بر می گیرد.	قاب بندی بدنه
container train	قطاری متشکل از واگنهای باری با قابلیت حمل بار گنج	قطار بار گنجی
monorail train, monorail	قطاری که روی یک ریل حرکت می کند .	قطار تک ریل
observation railcar	خودروی ریلی مسافری با پنجره های بزرگ برای آنکه مسافران بتوانند مناظر اطراف را به خوبی ببینند.	قطار تماشا
turbotrain	قطاری با نیروی محرکه توربینی	قطار توربینی، توربینی
car sleeper train, motorail	قطار خودروبری که امکانات لازم برای خواب و استراحت سرنشینان را دارد.	قطار خودرو- مسافر
tram way	خودرویی که روی ریل فلزی در سطح خیابان حرکت کند و مسافران شهری را جابه جا نماید .	قطار خیابانی
ram reversible	قطاری که بدون تغییر جهت بتواند رفت و برگشت کند .	قطار دوسر
light rail transit, LRT	نوعی قطار برقی، دارای یک یا چند واگن، که در شهر یا حومه برای حمل مسافر در سطح خیابان یا حریم خاص به کار می رود.	قطار سبک شهری، قطار سبک
work train	قطاری شامل ماشینهای نگهداری خط آهن که عملیاتی از قبیل نگهداری و توزیع مصالح و مرمت کانالهای زهکشی را با آن انجام می دهند.	قطار عملیات
ultra-low-floor tram	نوعی قطار شهری که برای تسهیل سوار و پیاده شدن با صندلی چرخدار یا کالسکه کف آن از حد معمول پایین تر و حدود ۱۸ سانتی متر بالاتر از سطح ریل است.	قطار فرو کف
funicular railway	نوعی قطار مخصوص مسیرهای کوتاه با شیب تند که نیروی کشش آن با موتور ثابت و به کمک بافه و ایجاد موازنه بین قطارهای رفت و برگشت یاوزنه تعادل تامین می شود .	قطار کابلی، قطار بافه ای
heavy rail transit	وسیله حمل و نقل مسافری با سرعت و ظرفیت زیاد	قطار مسافری سنگین
maglev train	قطاری که با استفاده از انرژی برق و رانش مغناطیس حرکت می کند و هیچگونه تماس و اصطکاک با ریل ندارد.	قطار مغناطیسی
brakesman	نگهبان قطارهای باری حامل بارهای خاص	قطاربان
oppasing trains	قطارهایی که در مسیرهای یک خطه به سمت یکدیگر حرکت می کنند.	قطارهای روبه رو

<b>route locking</b>	پیش بینی مسیری برای پذیرش قطار در ایستگاه به صورت الکتریکی، به طوری که با قفل شدن سوزنهای خطهای دیگر، قطار از خط مشخصی وارد ایستگاه شود.	<b>قفل کردن مسیر</b>
<b>gabarit</b>	دروازه ای با عرض و ارتفاع معین که حد مجاز عرض و ارتفاع وسیله نقلیه ریلی را تعیین می کند.	<b>قواره</b>
<b>loading gauge</b>	حداکثر ابعادی که باید در ساخت یا بارگیری واگنها در نظر گرفت تا خطر برخورد آنها با ابنیه مسیر وجود نداشته باشد.	<b>قواره بارگیری</b>
<b>rerailing frog, humpback, car frog, butterfly frog, wrecking frog, greenback, rerailer</b>	ابزاری هدایت کننده از جنس فولاد سخت یا چدن که چرخهای از خط خارج شده قطار را به روی ریل بازمی گرداند.	<b>قورباغه</b>
<b>superelevation</b>	اختلاف ارتفاع عرضی دو لابه راه در سرپیچها برای حذف نیروی گریز از مرکز	<b>قوس شیب (شهری)</b>
<b>curve marker</b>	تابلوی نمایش ابتدا و انتهای قوس مسیر خط آهن	<b>قوس نما</b>
<b>ک</b>		
<b>rail mill</b>	کارخانه تولید ریل	<b>کارخانه ریل</b>
<b>ferry-boat coach</b>	واگن قابل حمل با کشتی	<b>کشتی رو</b>
<b>railhead, head of rail</b>	قسمت بالایی ریل که چرخ های قطار روی آن حرکت می کند.	<b>کلاهک ریل تاج ریل</b>
<b>coupe</b>	هر یک از اتاقکهای واگنهای مسافری قطار که دارای درب و پنجره و صندلی باشد.	<b>کوپه</b>
<b>piggyback</b>	سامانه باری برای حمل کامیون و کفی سنگین بر روی ریل با واگنهای کف پائین ویژه	<b>کامیون بری ریلی</b>
<b>drawbar pull, coupler pull, coupler pull, drawbar</b>	نیروی قلاب در حالت کشش	<b>کشش قلاب</b>
<b>car block, car stop, wheel stop</b>	۱- وسیله ای که برای جلوگیری از حرکت قطار در جلوی چرخ های آن گذاشته می شود ۲- بخشی از خط در قطارهای شهری که برای سوار و پیاده کردن مسافران استفاده می شود.	<b>کفش خط</b>
<b>scotch block</b>	قطعه ای چوبی که روی تکه مرکزی سوزن یا روی ریل در زیر چرخ قرار می گیرد تا از حرکت خطنورد جلوگیری کند.	<b>کفش خط چوبی</b>
<b>track skate, skate</b>	قطعه ای فلزی با بخش گوه ای شکل که روی ریل قرار می گیرد تا از حرکت خطنورد جلوگیری کند.	<b>کفش خط فلزی</b>

brake shoe	قطعه‌ای دارای اصطکاک زیاد که برای ترمزگیری روی غلتشگاه چرخ قرار می‌گیرد.	کفشک ترمز
tamping bar, lollipop	میله بلند استوانه‌ای که انتهای آن پهن است و برای زیرکوبی به کار می‌رود.	کلنگ زیرکوب
tamping pick	وسيله‌ای چکش مانند که برای زیرکوبی دستی به کار می‌رود.	کلنگ دستی زیرکوب
<b>گ</b>		
check-in line	هر یک از خط‌های محل کنترل بلیت	گذر، گذرگاه
exchange hall	تالار عبور و مرور مسافران برای دسترسی به قطارهای در حال تردد در خطوط یا مسیرهای موقت	گذرگاه تعویض
check-in line	خطوط یا محل‌های کنترل بلیت که ممکن است به وسیله نرده از هم مجزا شوند.	گذرگاه، گذر
rail lubricator	ابزاری مکانیکی که در برخی از نقاط خط نصب می‌شود و چرخهای قطار را برای کاهش اصطکاک بین چرخ و ریل روغن کاری می‌کند.	گریس پاش ریل
pinch point	نقطه‌ای در شبکه ریلی که ظرفیت قطارهای عبوری از آن نزدیک به ظرفیت کامل آن یا بیش از آن باشد.	گلوگاه
<b>ز</b>		
wheel flange	قسمت بیرون آمده چرخ که هدایت حرکت قطار را بر روی ریل برعهده دارد.	لبه چرخ
false flange	لبه‌ای زاید که به دلیل سایش غلتشگاه چرخ در سمت بیرونی چرخ ایجاد می‌شود.	لبه کاذب
flangeway	فاصله بین ریل حرکتی و ریل محافظ در محل تاج ریل برای عبور لبه چرخ	لبه‌رو
rail vibrator	ماشینی که با ایجاد لرزش، تنشهای حرارتی ریل را آزاد می‌کند.	لرزانه ریل
wheelskate	وسيله‌ای که در هنگام قفل شدگی یک چرخ واگن یا لکوموتیو باعث حرکت لغزشی روان آن بر روی ریل حرکتی می‌شود.	لغزانه چرخ
drawbar slack, coupler slack, coupling slack=drawbar	لقمی مجاز در سامانه قلاب	لقی قلاب
hybrid locomotive	قطار برقی با موتور دیزلی که از دو امکان استفاده از نیروی برق و سوخت فسیلی برخوردار است.	لکوموتیو ترکیبی
diesel-electric locomotive	لکوموتیوی که در آن توان یک یا چند موتور دیزلی به انرژی الکتریکی تبدیل می‌شود و برای تأمین نیروی محرکه به موتور کشنده منتقل می‌شود.	لکوموتیو دیزلی - برقی
diesel-hydraulic locomotive	لکوموتیوی که در آن توان یک یا چند موتور دیزلی از طریق یک سامانه انتقال قدرت هیدرولیک به محورهای کشنده منتقل می‌شود.	لکوموتیو دیزلی روغنی

<b>lead locomotive</b>	لکوموتیوی که در قطارهای سنگین وظیفه اصلی هدایت قطار را به عهده دارد و اولین لکوموتیو قطار است.	<b>لکوموتیو فرمانده</b>
<b>dynamic track stabilizer</b>	ماشینی که با ایجاد لرزش شدید لایه پارسنگ خط را پایدار می کند و به این ترتیب مدت عملیات پایدار سازی کوتاه می شود.	<b>ماشین پایدار ساز خط، پایدار ساز خط</b>
<b>rail welding machine</b>	ماشین جوش الکتریکی ریل که با گداختن و فشردن دو انتهای ریل آنها را به یکدیگر متصل می کند.	<b>ماشین جوش ریل</b>
<b>ballast regulator</b>	ماشین برای صاف و یکنواخت کردن لایه پارسنگ	<b>ماشین خط آرا، خط آرا</b>
<b>ballast compactor, ballast consolidator</b>	دستگاهی برای کوبیدن و متراکم کردن پارسنگ سست از روی خط	<b>ماشین روکوب</b>
<b>rail-grinding machine, rail grinding train</b>	دستگاهی که با سایش ناهمواری های سطحی تاج ریل، رویه آن را صیقل می دهد.	<b>ماشین ریل ساب، ریل ساب</b>
<b>track-laying machine</b>	جرتقیل دروازه ای ریلی برای نصب ریل بست در خطوط جدید	<b>ماشین ریل گذار</b>
<b>ballast tamper, ballast tamping machine</b>	دستگاهی برای متراکم کردن پارسنگ از زیر ریل بند	<b>ماشین زیر کوب</b>
<b>rail detector car, rail flaw detector</b>	واگنی خود کشند که به دستگاههای ویژه ای برای شناسایی عیوب ریل مجهز است.	<b>ماشین عیب یاب ریل</b>
<b>airfoil</b>	سطح مقطعی که برای تولید نیروی برآر بیشتر نسبت به نیروی پسار و کم شدن مصرف سوخت طراحی شده است.	<b>ماهی وار (حمل و نقل هوایی)</b>
<b>track foreman</b>	فردی که نظارت و هدایت فعالیت های اجرایی خط آهن را برعهده دارد.	<b>مباشر خط</b>
<b>track retire</b>	خارج از رده کردن دائمی یک خط آهن	<b>متروکه سازی خط</b>
<b>axle counter</b>	دستگاهی که برای شمارش محورهای خط نوردی که به یک بخش خط وارد یا از آن خارج می شود بر روی خط نصب می گردد.	<b>محور شمار</b>
<b>dwell time</b>	زمان معین توقف وسیله نقلیه همگانی یا قطار که شامل زمان لازم برای پیاده و سوار کردن مسافر و باز و بسته شدن درب ها و استقرار مسافران در جای خود است.	<b>مدت ایست (شهری)</b>
<b>track possession</b>	وضعیتی که در آن قطعه ای از خط برای عملیات نگهداری یا تعمیر یا نوسازی به واحد تعمیرات واگذار می شود و در نتیجه قطار نمی تواند از روی آن عبور کند.	<b>مسدودی خط</b>
<b>Route</b>	خط سیر وسیله نقلیه یا مسافر از مبدا تا مقصد	<b>مسیر (شهری)</b>
<b>Double track line</b>	مسیر راه آهنی که در آن رفت و برگشت در دو خط جداگانه امکان پذیر باشد.	<b>مسیر دو خطه</b>

Single track line	مسیر راه‌آهنی که در آن رفت و برگشت فقط در یک خط صورت گیرد.	مسیر یک خطه
Assistant track foreman, sub-foreman, leadman	شخصی که به رئیس خط ناحیه کمک می‌کند و در غیاب او وظایفش را نیز انجام می‌دهد.	معاون خط ناحیه
axle generator, axle-driven generator	نوعی ژنراتور برق که توان آن از محور واگن و از طریق تسمه و فرقه یا جعبه دنده تامین می‌شود.	مولد سر محور
Hostess	خانمی که پذیرایی و مراقبت از مسافران و مشتریان را به عهده دارد.	مهماندار (گردشگری)
Steward, stewardess	فردی که پذیرایی و مراقبت از مهمانان را در کشتی یا هواپیما بر عهده دارد.	مهماندار (گردشگری)
Damping	فرآیند خاموشی حرکت نوسانی	میرایی (مهندسی)
brake beam	میله اتصالی دو قاب ترمز و کفشکهای آن برای هر جفت چرخ	میله ترمز
<b>ف</b>		
Fleet, rolling stock	تعداد وسایل نقلیه در یک سامانه حمل و نقل	ناوگان
Base period fleet	واحدهای حمل و نقل ریلی که برای اجرای برنامه دوره مبنا مورد نیاز هستند.	ناوگان مبنا
Fouling mark, fouling point	نقطه‌ای بین یک جفت خط آهن همگرا برای نشان دادن احتمال برخورد دو وسیله بعد از نقطه مزبور	نشانه ایمن گاه
track maintenance	فرآیند شناسایی و رفع عیوب خط	نگهداری خط
creep force	نیروی که در اثر خزش به وجود می‌آید.	نیروی خزش
drawbar force, coupler force, coupling force=drawbar	نیروی که قلاب از لکوموتیو به واگن یا از واگن به واگنی دیگر وارد می‌آورد.	نیروی قلاب
flag station	نوعی ایستگاه بسه که دارای ساختمان ایستگاه و سکو و در برخی موارد خطوط کناری است.	نیم ایستگاه
Half-barrier	راه‌بندی که فقط نصف عرض راه را در هر طرف تقاطع سواره رو و راه‌آهن می‌بندد.	نیم راه‌بند
<b>و</b>		
Wagon, car, vehicle	وسایله‌ای برای حمل مسافر یا بار که بر روی ریل حرکت کند.	واگن
test wagon, test vehicle, geometry car, evaluation car	واگنی مجهز به تجهیزات لازم برای اندازه‌گیری تعدادی از مشخصه‌های خط و سازه‌های فنی	واگن آزمون
Ambulance wagon, hospital car, ambulance coach	واگن حمل بیماران و مصدومان	واگن آمبولانس

<b>tilting wagon ,tilting coach</b>	نوعی واگن مسافری با فنربندی خاص که تراز نسبی واگن را در پیچ‌ها حفظ می‌کند.	<b>واگن آونگی</b>
<b>saloon coach</b>	واگن مسافری غیرکوپه‌ای که صندلی‌های آن ردیفی چیده شده است.	<b>واگن اتوبوسی</b>
<b>cattle wagon ,stock car</b>	نوعی واگن مسقف با دیواره‌های مشبک برای حمل دام	<b>واگن احشام</b>
<b>freight wagon ,freight car ,goods wagon</b>	واگنی برای حمل بار	<b>واگن باری</b>
<b>steam wagon ,heating wagon</b>	واگنی برای تأمین بخار موردنیاز سامانه‌های گرمایشی قطار	<b>واگن بخار</b>
<b>balast wagon ,ballast car</b>	واگنی برای حمل و تخلیه و پخش مناسب پارسنگ بر روی بستر خط	<b>واگن پارسنگ</b>
<b>crane wagon ,derrick car</b>	واگنی که در یک سر آن جرثقیلی برای بارگیری و تخلیه نصب شده باشد.	<b>واگن جرثقیل دار</b>
<b>caboose</b>	واگن انتهایی قطار برای استراحت یا انجام وظیفه مأموران موظف قطار	<b>واگن خدمت</b>
<b>sleeping wagon ,sleeping car</b>	واگنی دارای مبلمان‌های تخت‌خواب‌شو برای استراحت مسافران	<b>واگن خواب</b>
<b>camp car ,cutfit car ,dormitory car ,bunk car</b>	واگنی با امکانات زندگی در محل کارگاه نصب خط، برای استراحت کارکنان	<b>واگن خوابگاه</b>
<b>car-carrier wagon</b>	واگن یک یا چندطبقه با مهاربندی ویژه برای حمل خودرو	<b>واگن خودروبر</b>
<b>match wagon</b>	واگنهایی که قلاب‌های اتصال سر و ته آن هم شکل نیست بلکه متناسب با قلاب‌های واگنی است که در بین آنها قرار می‌گیرد.	<b>واگن رابط</b>
<b>hopper wagon ,hopper car</b>	واگن باری با کف شیب دار، برای حمل مصالح دانه‌ای که بار آن از کف واگن تخلیه می‌شود.	<b>واگن قیفی</b>
<b>high-floor car</b>	واگنی که کف آن بالاتر از حد معمول است و غالباً یک متر از سطح ریل فاصله دارد.	<b>واگن کف بالا</b>
<b>low-floor car ,low-floor wagon ,low floor boarding</b>	واگنی با کف پایین که ارتفاع کف آن از تراز ریل حدود ۳۵ سانتی‌متر است.	<b>واگن کف پایین</b>
<b>flat wagon ,flat car</b>	واگن باری بدون دیوار و سقف با کف مسطح، برای جابه‌جایی بارهای بزرگ	<b>واگن کفی</b>
<b>compartment coach</b>	واگنی که به اتاقک‌های متعدد تقسیم شده باشد.	<b>واگن کوپه‌ای</b>
<b>high side wagon</b>	واگنی با کف تخت و دیواره‌های جانبی بلند برای حمل سنگ معدن	<b>واگن لبه بلند</b>
<b>Low side wagon ,gondola car</b>	واگنی با دیواره‌های کوتاه و بدون سقف برای حمل بارهای با چگالی بالا	<b>واگن لبه کوتاه</b>
<b>tank wagon ,tank car</b>	واگنی با محفظه فلزی برای حمل مایعات و گازها	<b>واگن مخزنی</b>
<b>passenger wagon , passenger car ,car</b>	واگنی برای حمل مسافر	<b>واگن مسافری</b>
<b>Covered wagon covered car ,box car</b>	واگنی برای حمل بارهای بسته‌بندی شده و قطعات صنعتی فلزات و مواد غذایی	<b>واگن مسقف</b>
<b>articulated wagon articulated coach</b>	واگنی متشکل از چند قسمت که به وسیله مفصل به هم متصل شده باشند.	<b>واگن مفصلی</b>

<b>energy distribution wagon , generator wagon</b>	واگنی با تجهیزات لازم برای تولید و توزیع برق مصرفی قطار	واگن مولد
<b>Refrigerator wagon , reefer</b>	واگنی با دمای مناسب برای حمل مواد فاسد شدنی و دارویی	واگن یخچال
<b>wagonnet, small wagon, spoit car</b>	واگن کوچکی ویژه حمل و جابه‌جایی ابزار و مصالح برای تعمیر و نگهداری خطوط	واگنک
<b>fishplate , rail splice , splice bar</b>	صفحه‌های فولادی برای اتصال دو انتهای ریل در محل درز جوشکاری نشده	وصله ریل
<b>meal</b>	یکی از نوبتهای سه‌گانه غذایی متداول در شبانه‌روز	وعده غذا (گردشگری)
<b>flanger</b>	ابزاری برای پاک کردن برف و یخ از بین ریل‌ها به منظور آماده‌سازی فضای کافی برای عبور لبه چرخ	یخ‌زدا